

مکارم الاخلاق

شرح احوال زندگانی امیر علی شیرنوازی

تألیف

غیاث الدین بن ہمام الدین خاند میر

(۸۸۰ - ۹۴۲ھ ق)

مقدمہ، تصحیح و تحقیق

محمد اکبر عشق

خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین، ۸۸۰ - ۹۴۲ ق.
 مکارم الاخلاق: شرح حال امیرعلی شیر نوایی / تألیف غیاث الدین بن هماد الدین خواندمیر؛ مقدمه،
 تصحیح و تحقیق محمد اکبر عشیق - تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، آینه میراث، ۱۳۷۸.
 ۲۹۵ ص. : نمونه - (میراث مکتوب: ۶۷، تاریخ و جغرافیا: ۷)
 ISBN 964-6781-28-4
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 Ġeyāṣ al-Dīn ibn Homām al-Dīn Xwāndmīr
 Makārem Al-Axlaq
 ص.ع. لاتینی شده:
 کتاب‌نامه: ص. [۲۸۹] - ۲۹۵: همچنین به صورت زیرنویس.
 ۱. امیرعلی شیر نوایی، علشیر بن کیچکنه ۸۴۳ - ۹۰۶ ق. ۲. نثر فارسی - قرن ۱۰ ق. ۳. ایران
 - تاریخ - تیموریان، ۷۷ - ۹۱۱ ق. الف. عشیق، محمد اکبر، ۱۳۳۲ - ، مصحح و مقدمه‌نویس.
 ب. عنوان.
 ۹۵۵/۰۶۶۵۲ DSR ۱۱۳۲ / ۹ م ۷
 کتابخانه ملی ایران
 ۹۵۰۱ - ۷۸ م



مکارم الاخلاق

شرح حال امیرعلی شیر نوایی

تألیف: غیاث الدین بن هماد الدین خواندمیر

مقدمه، تصحیح و تحقیق: محمد اکبر عشیق

ناشر: آینه میراث «وابسته به مرکز نشر میراث مکتوب»

چاپ اول: ۱۳۷۸

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴ - ۶۷۸۱ - ۲۸ - ۴

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این اثر زیر نظر مرکز نشر میراث مکتوب انتشار یافته است.

همه حقوق متعلق به مرکز نشر میراث مکتوب و محفوظ است

نشانی مرکز نشر میراث مکتوب: تهران، ص. پ: ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵، تلفن: ۳ - ۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۴۰۸۷۵۵

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۷
زندگانی خواندمیر.....	۱۷
دودمان خواندمیر.....	۱۸
راه یافتن خواند میر به دربار سلطان حسین بایقرا.....	۱۸
مأموریت‌های خواندمیر.....	۱۹
مرگ نوایی و پیوستن خواندمیر به دربار بدیع الزمان میرزا.....	۱۹
چیرگی صفویان بر هرات و نگارش تاریخ حبیب السیر.....	۱۹ - ۲۲
ترک هرات به قصد قندهار.....	۲۳
رسیدن خواند میر به هند و راه یافتن به دربار ظهیر الدین محمد بابر.....	۲۴
مرگ بابر و پیوستن به دربار همایون.....	۲۵
نگارش قانون همایونی و یافتن لقب امیر الاخبار از سوی همایون.....	۲۵
مرگ خواندمیر.....	۲۵
فرزندان خواند میر.....	۲۶
آثار خواند میر.....	۲۷ - ۳۱
نگاهی به مکارم الاخلاق.....	۳۱ - ۳۵
معرفی نسخه‌های خطی مکارم الاخلاق.....	۳۵، ۳۶
مکارم الاخلاق	
دیباجه مکارم الاخلاق.....	۳۹
شهرت کامل خواندمیر.....	۴۱
سبب تصنیف مکارم الاخلاق.....	۴۲
ختم دیباجه به نام سلطان حسین بایقرا.....	۴۵

مقدمه

- ۴۷ در بیان فضیلت مکارم الاخلاق و ذکر ولادت با سعادت آن ملاذ اکابر آفاق
- ۴۸ هفدهم رمضان ۸۸۴ هـ. ق تولد امیر علی شیر و یادی از سلطنت شاهرخ سلطان
- ۴۹ رویدادهای هفدهم رمضان در تاریخ
- ۵۰، ۴۹ خرد سالی امیر علی شیر نوایی

مقصد اول

- ۵۳ در بیان شرف و منزلت عقل و ادراک
- ۵۳ نظر پیامبر درباره عقل
- ۵۵ حکایت اول: رویداد سال ۸۷۴ و توجه میرزا یادگار به تسخیر خراسان
- ۵۶ حکایت دوم: تسلط میرزا یادگار محمد بر هرات، مشورت دادن امیر علی شیر به سلطان حسین

مقصد دوم

- ۵۹ در بیان فضیلت علم و مرتبه علماء
- ۶۰ نظر پیامبر درباره علم و مقام علماء
- ۶۰ ابیات علی علیه السلام و التحية در وصف علم
- ۶۱ تحصیلات امیر علی شیر در هرات و سمرقند
- ۶۱ مصاحبت امیر علی شیر نوایی با خواجه فضل الله ابواللیثی در سمرقند
- ۶۱ آمدن علی شیر نوایی در روزگار سلطان حسین به هرات
- ۶۱ مصاحبت نوایی با محمد نظامی
- ۶۲ هرات و مجلس فرهنگی امیر علی شیر
- ۶۳ مدارس که امیر علی شیر بنا کرده است: مدرسه اخلاصیه و استادان آن
- ۶۳ خانقاه اخلاصیه و علماء و مدرسان آن
- ۶۳ شفاییه و مدرسان آن
- ۶۳ مدرسه نظامیه و مدرسان آن
- ۶۳ مدرسه خسرویه، وجه تسمیه و مؤسس آن
- ۶۵، ۶۴ کتابهای که دانشمندان روزگار امیر علی شیر نوایی به نام وی تصنیف کرده اند

مقصد سوم

- ۶۷ در بیان فضیلت شعر و عظم شأن شعرا
- ۶۸ جنگ حنین و شعر حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم
- ۶۹ شعر و انواع آن از نظر خواند میر
- ۷۰ شعر ترکی امیر علی شیر

پیشگفتار

غیاث الدّین فرزند همام الدّین که بیشتر با نامهای خواندمیر، خوندامیر، خوندامیر، خواندامیر و آخوند امیر شناخته شده، یکی از تاریخنگاران بزرگ و نامور زبان پارسی در پایان سده نهم و آغاز سده دهم هجری بوده که در روزگار فرمانروایی تیموریان هرات و هند می زیسته است.

پدرش همام الدّین محمّد فرزند برهان الدّین محمّد شیرازی، مدّتی در دستگاه میرزا سلطان محمود (۹۰۰ - ۸۵۷ هـ ق / ۱۴۹۵ - ۱۴۵۳ م) فرزند میرزا ابوسعید گورکانی وزارت داشت^۱ و در هرات می زیست. وی دختر میرخواند، نویسنده تاریخ روضة الصّفا را به زنی گرفت و به همین سبب خواندمیر به پاس احترام از استاد و پدر بزرگ خود پیوسته از میرخواند به عنوان حضرت مخدومی ابوی^۲ یاد کرده است و همین عنوان موجب اشتباه برخی تاریخنگاران شده است که او را فرزند میرخواند بدانند، در حالی که وی در حیب السّیر در ضمن شرح حال سیّد برهان الدّین خواند شاه، درباره چگونگی قرابت خویش با مؤلف روضة الصّفا می نویسد:

نسب شریف آن حضرت به چهار واسطه به خواند شاه سیّد اجل بخاری که در سلک

۱. حیب السیر، ج ۴ / ۹۸.

۲. حیب السّیر، ج ۴ / ۱۳ و ۳۴۱.

اعاظم سادات ماوراء النهر انتظام داشت، اتصال می‌یابد و سلسله آبا و اجداد سید اجل به زید بن امام زین العابدین - علیهما السلام - منتهی می‌گردد، و پدر عالی گهر امیر خاوند شاه، کمال الدین محمود نام داشت و چون سید محمود به ریاض رضوان انتقال نمود، سید خاوند در صغر سن بود و بواسطه نوایب روزگار از وطن مألوف سفر کرده، در قبه السلام بلخ رو به تحصیل علوم و اکتساب فنون محسوس و مفهوم آورد و به اندک زمانی در سلک اعظم دانشمند زمان انتظام یافته به سلوک راه آخرت مشغول گشت و از بلخ سفر فرموده، خود را به صحبت مشایخ عظام هرات رسانید و شیخ بهاء الدین عمر نسبت به آن حضرت محبت بی‌نهایت داشت...

بعد از فوت شیخ بهاء الدین عمر از هرات به بلخ مراجعت فرمود و در سنه^۱ (۹۰۰) وفات یافت و از آن حضرت سه پسر ماند: امیر خواند محمد که والد بزرگوار والدۀ مسوده اوراق است و سید نظام الدین سلطان احمد که سالها در ملازمت سلطان بدیع الزمان میرزا، منصب صدارت داشت و سید نعمت الله که مجذوب متولد شده بود.^۲

از اشارات خواندمیر در نگاشته‌هایش پیداست که دودمان میرخواند به پرهیزگاری و دانش معروف بودند و خواندمیر نیز تحت توجهات جدّ مادری خود رشد یافت و به علم و ادب بویژه تاریخ توجهی شایان از خود نشان داد و در تاریخنگاری از سرآمدان روزگار خود شد.

مآخذ عصری خواندمیر و پژوهشگران معاصر درباره سال تولّد وی اختلاف نظر دارند، اما از گفتار خود وی در حبیب السیر که در سال (۹۲۷ ه. ق. / ۱۵۲۰ م.) شروع به نگارش آن کرده است، چنین پیداست که هنگام نوشتن اثر یاد شده سال عمر او از «حدود اربعین، هفت - هشت مرحله^۳» بیشتر بوده است. پس می‌توان گفت که خواندمیر حدود سال (۸۸۰ ه. ق. / ۱۴۷۵ م.) در هرات زاده شده است.

خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ - ۸۷۲ ه. ق. / ۱۵۰۶ -

۱. چنین پیداست در نسخه‌های چاپی حبیب السیر، که ظاهراً مؤلف جای ارقام سال فوت سید برهان الدین را

۲. حبیب السیر، ج ۴ / ۱۰۵.

بیاض گذارده بوده است.

۳. حبیب السیر، ج ۱ / ۴.

۱۴۶۸ م.) راه یافت و بزودی مورد توجه و عنایت امیر علی شیر نوایی (۹۰۶ - ۸۴۴ هـ. ق. / ۱۵۰۰ - ۱۴۴۰ م.) قرار گرفت. و به یاری او نخستین اثر خود، مآثر الملوک را در سال (۹۰۳ هـ. ق. / ۱۴۹۸ م.) یا پیش از آن به نگارش درآورد. در سال (۹۰۴ هـ. ق. / ۱۴۹۹ م.) نوایی کتابخانه خود را در اختیار خواندمیر قرار داد و او هم از این فرصت بهره برد و دومین اثر خود خلاصه الاخبار را پس از گذشت شش ماه فراهم آورد و آن را نیز در سال (۹۰۵ هـ. ق. / ۵۰۰ - ۱۴۹۹ م.) به امیر علی شیر پیشکش کرد. در سال (۹۰۶ هـ. ق. / ۱۵۰۰ م.) امیر علی شیر - حامی خواندمیر - در گذشت. مرگ نوایی بر خواندمیر تأثیر ژرفی بر جای گذاشت، که آن تأثیر را می‌توان از قطعه‌ای که در رثای امیر سروده است به‌خوبی دریافت.^۱

خواندمیر پس از مرگ نوایی، به خدمت بدیع الزمان میرزا (فرزند سلطان حسین بایقرا) در آمد و پس از چندی به وزارت شاهزاده مذکور برگزیده شد. بدیع الزمان نسبت به وزیر خردمند خود احترام زیادی قایل بود، او را محرم اسرار خود می‌دانست، کمتر نکته‌ای را از وی پنهان می‌داشت و بیشتر امور دیوانی و مأموریت‌های سیاسی را به او واگذار می‌کرد، نخستین مأموریتی که به خواندمیر واگذار شد زمانی بود که محمد خان شیبانی (۹۰۹ هـ. ق. / ۱۵۰۳ م.) بر خراسان تاخت. بدیع الزمان میرزا برای جلوگیری از پیشروی ازبکان شیبانی از پدرش یاری خواست، اما سلطان حسین میرزا بر اثر رنجشی که از پسر خود داشت به درخواست وی توجهی نشان نداد.^۲ بناچار بدیع الزمان با اندیشه و تدبیر خود در صدد جلوگیری از پیشروی ازبکان برآمد:

بنابر استصواب اصحاب رأی و تدبیر، خاطر مهر تأثیر بر آن قرار داد که از امراء عظام امیر شجاع الدین ذوالنون ارغون و ناصرالدین عمر... نزد امیر خسرو شاه رفته به هر نوع که توانند او را مستمال و مطمئن گردانند... و امرا با هزار سوار عازم قندز گشته مسود اوراق نیز حسب الحکم در مراقبت ایشان روان شد.^۳

۱. مقدمه محمد هدایت حسین بر: قانون همایونی، ص ۱۹ و ۱۸؛ تاریخ ادبیات فارسی، ص ۲۸۲، ۲۸۳؛ همین

۲. حبیب السیر، ج ۴ / ۲۹۲ - ۲۹۹.

کتاب ص ۴۳.

۳. حبیب السیر، ج ۴ / ۳۰۳.

زمانی که هیئت امرا به قندز رسید، امیر خسرو شاه حکمران آن سامان دستخوش حملات محمود سلطان، برادر محمد خان شیبانی، قرار گرفته بود و نمی‌توانست به بدیع‌الزمان میرزا یاری رساند. اندکی پس از این رخداد امیر خسرو شهر را رها کرد و به کوهستان گریخت. امیر ذوالنون که در رأس هیئت قرار داشت گفت:

«شهری چنین معمور را به تصرف ازبکان گذاشتن و از این موضع رایت معاودت افراشتن شیوه مردان مرد... نیست، بلکه انساب آن است که به قندز رویم و آن بلده را مستحکم ساخته به تصرف محمود سلطان باز نگذاریم. امراء در امضاء این عزیمت با امیر ذوالنون اتفاق نموده... راقم حروف را فرمود که به سرعت هر چه تمامتر خود را به ملازمت حضرت سلطانی رساند... چون امیر ذوالنون در ظاهر قندز نزول نمود، به تحقیق پیوست که مولانا محمد ترکستانی در قندز صغار و کبار را به متابعت محمد خان شیبانی مایل گردانید»^۱.

پس از مرگ سلطان حسین بایقرا (در روز دوشنبه ۱۱ ذی الحجه ۹۱۱ ه. ق. / ۱۵۰۵ م.) سلطنت به موجب وصیت وی میان دو تن از فرزندان: بدیع‌الزمان میرزا و مظفرحسین تقسیم شد و هر یک از آن دو شاهزاده برای اداره امور دیوانی خود وزیری برگزیدند. به نوشته خواندمیر «صدارت بدیع‌الزمان میرزا به قاعده مستمره به مسود اوراق و مولانا غیاث‌الدین جمشید جلالی تعلق گرفت»^۲؛ این وزیر دانشمند به پاس حمایت و اعتمادی که سلطان حسین بایقرا در دوران زمامداری خود به وی داشت در مقابل خاندان تیموری وفادار ماند و بدین جهت تا واپسین روزهای سلطنت بدیع‌الزمان میرزا در هرات باقی ماند؛ اما مرگ سلطان حسین بایقرا - که در روزگار وی هرات از نظر اقتصادی رونق یافته و از طرفی به کانون علمی تبدیل شده بود - موجب شد تا در میان فرزندان و خویشان او - که هر یک در دستگاه وی صاحب مقامی بودند - کشمکشهایی رخ دهد و زمینه را برای چیرگی ازبکان شیبانی فراهم سازد. چنانکه امیر محمود خواندمیر از دوران سلطنت فرزندان بایقرا به تلخی یاد کرده است و چنین می‌نویسد:

«بعد از انقضای یک سال از فوت خسرو صاحب کمال، شایبک خان که از اعظم

۱. حبيب السیر، ج ۴ / ۳۰۴.

۲. حبيب السیر، ج ۴ / ۳۶۴، ۳۶۵.

نبایر ابوالخیر بوده و در الوس چنگیز خان و هلاکوخان در شجاعت و دلاوری و بهادری مانند او پادشاهی برمسند فرمانروایی متمکن نگشته، از قبة الاسلام بلخ متوجه بلدة هرات شد و در موضع مرل از ولایت بادغیس که داخل ولایت هرات است، میرزا بدیع الزمان و مظفرحسین میرزا، که به شوکت در دار السلطنة مذکور قایم مقام والد ماجد خود بودند، شکست داده، بر تخت سلطنت هرات متمکن گردید.^۱

بدیع الزمان میرزا پس از شکست در جنگ «مرل» به هرات بازگشت و از آنجا رهسپار گرگان شد و به دربار شاه اسماعیل صفوی پناه برد و بدین گونه هرات در بهار (۹۱۳ هـ. ق. / ۱۵۰۷ م.) به تصرف اُزبکان شیبانی درآمد و دولت تیموری که بیش از دو قرن در خراسان صاحب نفوذ و سلطه بود، از قدرت بیفتاد.

از دیگر سو، مردم هرات که از سختگیریهای اُزبکان شیبانی در هراس بودند، تصمیم گرفتند تا هرات را بدون پایداری به اُزبکان شیبانی تسلیم کنند. به نوشته خواندمیر، بدین منظور، روز جمعه هشتم محرم (۹۱۳ هـ. ق. / ۱۵۰۷ م.) سادات، قضات و اکابر و اعیان هرات در مدرسه شیخ الاسلام جمع آمده، در باب واقعه‌ای که روی نموده بود، قرعه مشورت در میان انداختند. خواطر اکابر و اصاغر بر سلوک طریق اطاعت و انقیاد محمد خان قرار گرفته^۲، غیاث الدین خواندمیر را - که پس از نبرد مرل در هرات مانده بود - مأمور نوشتن نامه‌ای مبنی بر تسلیم شهر به محمد خان شیبانی کردند. خواندمیر نامه مزبور را نوشته و توسط برادرزاده خود مولانا عثمان - که محتسب شهر بود - به اردوگاه شیبانی فرستاد. مولانا هنوز به مقصد نرسیده بود که،

«در سرخیابان غارت یافت و پیاده و عریان نزدیک به تقوز رباط خود را به محمد تیمور سلطان رسانید و کیفیت حال خود را عرض کرد. محمد تیمور او را نزد پدر فرستاد^۳».

محمد خان شیبانی پس از دریافت نامه مذکور، بزرگان شهر را امان داده، مولانا عبدالرحیم ترکستانی را که به نوشته خواندمیر «منقلب الاحوال و مختلف الاقوال و

۱. ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، ص ۱۲۹.

۲. حبيب السیر، ج ۴ / ۳۷۶.

۳. حبيب السیر، ج ۴ / ۳۷۶.



دریابی از فرهنگ پر مایه اسلام و ایران در نسخه های خطی موج می زند. این نسخه ها، حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ هویت نامه ما ایرانیان است. بر عهده هر نسلی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به حیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و جمع در آنها انجام گرفته و صد ها کتاب رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب رساله خطی موجود در کتابخانه های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بارها به طبع رسیده منطبق بر روش علمی نیست و به تحقیق و تصحیح مجدداً نیاز دارد. اینها نشانه کتابها و رساله های خطی و طبعی است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز نشر میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۴ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوششهای محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه مندان به دانش و فرهنگ سببی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

مرکز نشر میراث مکتوب